

## زن در شعر جمیل صدقی زهاوی

دکتر شهریار نیازی\*، آمنه جهانگیر اصفهانی\*\*، زهرا جهانگیر اصفهانی\*\*\*

**چکیده:** این مقاله به بررسی نخستین پژوهش‌ها و نظرات مربوط به دفاع از برابری زن و مرد در جهان عرب، پس از نهضت می‌پردازد. پیشرفت‌های علمی در جهان غرب در قرن نوزدهم و رسیدن امواج دانش جدید به جهان عرب و همچنین شرایط اجتماعی و عقب‌ماندگی‌های موجود در کشورهای عربی به تسریع انتشار و افزایش مطالبات اجتماعی زنان در میان این کشورها کمک شایانی کرد. تأثیر این امواج ابتدا در میان اندیشمندان عرب و سپس در میان روشنفکران و به‌ویژه شاعران از قدرت شگرفی برخوردار گردید. همچنانکه چنین نظراتی در ادبیات انعکاس می‌یافت، دیدگاه‌های مخالف آن نیز که متکی بر سنت، به رسوخ این اندیشه در جهان اسلام اعتراض داشتند، به واکنش می‌پرداختند. جمیل صدقی زهاوی از جمله شاعرانی است که در صحنه اجتماعی عراق به طرح دیدگاه‌های نوین درباره زنان مسلمان در اشعارش پرداخته است. این مقاله می‌کوشد افزون بر طرح اندیشه‌های روشنفکران عرب، چالش‌های موجود بر سر راه این اندیشه را نیز بیان کند.

**واژه‌های کلیدی:** جمیل صدقی زهاوی، جامعه عراق، آزادی زن، حجاب.

### مقدمه و طرح مسئله

ادبیات زائیده جامعه و تحت تأثیر تحولات آن می‌باشد. ادبیات آنچه را که در جامعه رخ می‌دهد به تصویر می‌کشد و آینه مجازنمای وقایع جامعه به شمار می‌رود. از آنجایی که شاعر با احساسات لطیف خود زودتر از دیگران از محیط متأثر می‌شود، می‌کوشد اثری را که از رویدادها برمی‌گیرد، به زبان شعر برای دیگران بازگو کند. در واقع شاعران می‌توانند به نوعی وقایع نگار باشند؛ چنانکه می‌توان با مطالعه اشعار و آثار

ادبی آنان به جریان‌ها و رخدادهای زمانه شاعر پی‌برد. ادبیات معاصر عرب نیز در راستای رسالت خویش که انعکاس تحول مستمر حیات است، از تحولات سیاسی و اجتماعی دور نماند و اگر در دوره فترت به ویژه در نوع ادبی شعر به درجه‌ای از جمود رسیده بود که به ناچار و موقتاً از صحنه کنار رفته‌بود ولی تحولات و حوادث اواخر قرن نوزدهم وجدان شعرا و ادبا را بیدار و آنان را با این تحولات همراه ساخت. شاعران در پایان قرن نوزدهم در آثار خود به بیان گرایش‌ها و رخدادهای موجود پرداختند و ادبیات را در حیات دوباره خود به خدمت جامعه درآوردند و کوشیدند تا قضایای مختلف اجتماعی را به تصویرشعری درآورند. در این فضای تازه قضایای زن از اولین موضوعاتی بود که توجه شاعران و متفکران را به خود جلب نمود.

اواخر قرن نوزدهم جهان عرب در بدترین شرایط اجتماعی و فرهنگی خود به سر می‌برد. البته بیشترین ظلم و ستم متوجه زنان بود و از آنجایی که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان بوده و به عنوان تربیت‌کننده نسل‌ها، نقش والایی به عهده دارند توجه اصلاح‌گرایان اجتماعی را به خود جلب کردند، اصلاح‌گرایان تلاش می‌کردند تا این گروه از جامعه به حقوق از دست رفته خود دست یابند.

بعد از حمله ناپلئون به مصر، که پیامدهای ناگواری به دنبال داشت، مصری‌ها هرچه بیشتر به نقش سازنده زنان در حل مشکلات جامعه و بهبود شرایط سخت زندگی پی بردند و قبل از دیگر کشورها در صدد رفع مشکلات و موانع پیشرفت و ترقی آنها برآمدند. قاسم امین (۱۹۰۸-۱۸۶۳م)<sup>۱</sup> در مصر مقدمات اولیه جهت آزادی زنان، احقاق حقوق اجتماعی و سیاسی آنان و نیز ایجاد کانون‌های همبستگی زنان را فراهم کرد، ره‌آورد این نوآوری‌ها اصلاح و رفع مشکلات زنان و بهبود اوضاع و احوال آنان بود.

قاسم امین به‌طور جدی خواهان ایجاد برابری زن و مرد بود؛ فلذا مسأله زن را به صورت گسترده به گونه‌ای ادامه داد که پیش از او کسی بدان شکل بیان نکرده بود. امین موضع خود را بر دو پایه اساسی قرار داد: اول عقاید و اجتهادات محمد عبده (۱۹۰۵-۱۸۴۹)<sup>۲</sup> در حوزه روابط زناشویی و دوم دیدگاه غرب و وضعیت زن در آن.

۱. قاسم امین در سال ۱۸۶۳م در قاهره متولد شد. وی از مشهورترین اصلاح‌طلبان و روشنفکران شرقی بود که به بررسی مسائل اجتماعی به ویژه قضیه زن توجه خاص داشت. از جمله آثار وی در دفاع از حقوق زنان و آزادی آنان به کتابهای «تحریر المرأة» و «المرأة الجديدة» می‌توان اشاره کرد. (الفاخوری، ۱۳۸۰هـ.ش، ج ۲، ص ۱۰۴)

۲. محمد عبده از بزرگان اصلاح طلب و تجددگرا در اسلام، در سال ۱۸۴۹م در مصر متولد شد. وی به همراه استادش سید جمال افغانی روزنامه «العروة الوثقی» را در پاریس منتشر ساخت (الفاخوری، ۱۳۸۰هـ.ش، ج ۲، ص ۸۱). [به نظر می‌رسد الفاخوری از سید جمال اسدآبادی با نام سید جمال افغانی یاد کرده است. (توضیح از ویراستار).]

رئوس تعالیم امین در مطالعات زنان عبارتند از :

- ۱- تفسیر نادرست از دین و تداوم حکومت استبدادی دلیل عقب ماندگی زنان مسلمان است؛
- ۲- وظیفه زن تنها به چارچوب خانه محدود نمی‌شود؛
- ۳- نادانی و سستی در تربیت باعث عقب افتادگی زن مسلمان از فراگیری علوم، فنون، آداب و تجارت و ... همانند همتای غربی خود شده است؛
- ۴- در شریعت نصی درباره وجوب حجاب وجود ندارد؛
- ۵- اختلاط زن و مرد در جامعه، آگاهی زنان را افزایش می‌دهد؛
- ۶- طلاق محظوری است که به دلیل ضرورت جایز است.

امین در دو کتابش به این مطالب پرداخته است. وی ابتدا کتاب «رهای زنی» را در سال ۱۸۹۹ م. منتشر کرد. این کتاب که در مورد آزادی زن و حقوق او بود و بیشتر تحت تأثیر تعالیم عبده قرار داشت، باعث جنجالی عظیم در مصر و سایر کشورهای عربی شد. امین یک سال بعد کتاب «زن مدرن» را عرضه کرد و در آن بر نظرات پیشین خود تأکید نمود ولیکن آن‌ها را با افکار عرفی و مثالی غربی آمیخت. این کتاب تاکنون بارها در کشورهای غربی منتشر شده و مرجع بسیاری از اظهار نظرها در مسأله زن و شئون او قرار گرفته است و یکی از مهم‌ترین آبخشورهای فکری نویسندگان تجددگرای اسلامی به شمار می‌آید (پزشکی، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۰). دامنه این قیام و تجددخواهی به دیگر کشورهای شرقی از جمله عراق نیز رسید. از میان افرادی که تحت تأثیر چنین موجی که قاسم امین بنیانگذار آن بود، به قضیه زن و دفاع از آزادی او پرداخت، می‌توان از جمیل صدقی الزهاوی (۱۹۳۶ م - ۱۸۶۳ م)<sup>۱</sup> و معروف الرصافی<sup>۲</sup> (۱۹۴۵-۱۸۷۵) نام برد.

<sup>۱</sup> جمیل صدقی زهاوی در روز چهارشنبه ۱۸ خریزان سال ۱۸۶۳ م ( ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۷۹ هـ) در بغداد از پدر و مادری کُرد متولد شد. پدرش محمد فیضی زهاوی مفتی عراق بود. به پدرش از این رو زهاوی می‌گفتند که پدرش (پدر بزرگ جمیل) به زهاو (سر پل ذهاب امروز) یکی از شهرهای تابعه ایران مهاجرت می‌کند و در همانجا با دختری از آن دیار ازدواج می‌کند که حاصل آن ازدواج پدر جمیل می‌باشد (زرکلی، ج ۲، ص ۱۳۳) زهاوی منصب‌های حکومتی و دولتی زیادی از جمله عضویت در مجلس المعارف بغداد و محکمه استیناف را عهده‌دار شد و نیز مدرس فلسفه عربی در مکتب سلطنتی آستانه و مدرس ادبیات عربی در دارالفنون بود. و نیز به کار روزنامه‌نگاری و تألیف کتاب در مسائل علمی نیز می‌پرداخت. (الرشودی، ۱۹۶۲ م، ص ۳۵). زهاوی با زبان‌های اروپایی آشنایی نداشت اما به دو زبان فارسی و ترکی کاملاً مسلط بود و وقتی به عنوان نماینده عراق در مراسم بزرگداشت فردوسی که در تهران برگزار شد، حاضر شد قصیده‌ای فارسی به وزن شاهنامه با این مطلع سرود:

بفردوسی از من سلامی برید  
پس از عرض حرمت پیامی برید  
که ای شاعر خفته در زیر خاک  
نهان از نظر دور از جان پاک

(درسالگه و الآداب، محمد محمدی، ص ۷۴).

<sup>۲</sup> معروف الرصافی در سال ۱۸۷۵ در بغداد متولد شد. وی از جمله شاعرانی است که به مسائل اجتماعی و سیاسی بسیاری در شعر خود پرداخته است، از این رو به شاعر اجتماعیات لقب یافت. از جمله این مضامین می‌توان به علم و جهل، دین، زن، آزادی و فقر اشاره کرد. (الفخوری، ۱۳۸۰ هـ، ج ۲، ص ۴۸۵)

در این مقاله به بررسی اندیشه‌های زهاوی درباره زن که در اشعار او متجلی است، پرداخته می‌شود. زهاوی اولین شاعری است که در محیط پر از اختناق و هرج و مرج عراق در برابر ظلم و ستم‌هایی که نسبت به زنان روا می‌شد فریاد عدالت‌خواهی برآورد و به دفاع از حقوق و آزادی آنان پرداخت. وی در دفاع از آزادی زن، اشارات فراوانی به مسئله حجاب دارد و به ذکر جنبه‌های منفی و مثبت آن می‌پردازد. در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که منظور زهاوی از حجاب چیست؟ آیا منظور وی از حجاب معنای حقیقی و امروزی آن که همان پوشش است، می‌باشد؛ یا اینکه منظورش از حجاب، معنای سنتی آن است که همان پشت‌پرده بودن و در خانه محبوس ماندن است.

وی به دیگر امور مربوط به زنان از جمله ازدواج پیرمردان با دختران جوان، چند همسری مردان و نظائر آن نیز پرداخته و در این رابطه اشعاری هم سروده است اما مسأله‌ای که توجه نگارنده را بیش از بیش به خود معطوف کرده دیدگاه زهاوی نسبت به حجاب و آزادی زنان می‌باشد.

زهاوی در عصری زندگی می‌کند که ستم و استبداد در آن بیداد می‌کند. از آنجایی که ادبیات هر ملتی جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ آن ملت می‌باشد مسلماً عوامل اجتماعی جامعه عراق نیز به عنوان بستر رشد تفکر و اندیشه زهاوی و اشعار او تأثیرگذار بوده از این رو ضروری به نظر می‌رسد که اوضاع اجتماعی عصر او را به طور خلاصه بررسی کنیم.

در اواخر قرن نوزدهم عراق یکی از عقب‌افتاده‌ترین نواحی امپراطوری عثمانی به شمار می‌رفت و دستگاه دولت در عراق فاسدتر و ظالم‌تر از دیگر مناطق تحت سیطره امپراطوری عثمانی بود که این دور افتادگی از خلافت کمبود امکانات فرهنگی و رفاهی و بهداشتی را به دنبال داشت. علاوه بر مشکلاتی که سلاطین عثمانی و والیان دست‌نشانده آنها در عراق ایجاد می‌کردند خود عراق نیز به دلیل اختلافات عشیره‌ای و نظام قبیلگی دچار بسیاری از مشکلات بود. برای نمونه برخی مشکلات اجتماعی زنان در جامعه آن روز، از زبان یوسف عزالدین ناقد عراقی اشاره می‌کنیم، او می‌گوید:

«جایگاه زنان در جامعه از معیارهای سنجش رشد فکری و فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شود، با توجه به نامی‌های حاکم بر جامعه عراق، زنان در محیط خانه زندانی می‌شدند و تنها در روز و مشروط به همراهی با شخص دیگری اجازه خروج از منزل را داشتند. همچنین زن می‌بایست عباى بلندی که تمام بدن او را بپوشاند، بر تن می‌کرد و نیز مقنعه‌ای می‌زد که صورتش را کاملاً بپوشاند و با این اوصاف زنان همچنان حق

زن در شعر جمیل صدقی زهاوی ۱۵۹

رفت و آمد به اماکن عمومی مثل قهوه‌خانه را نداشتند. آنان همچنین حق تکلم با هیچ مردی به جز محارم خود را نداشتند و گاهی مردان چنان متعصبانه برخورد می‌کردند که تحت هیچ شرایطی به زنان‌شان اجازه خروج از منزل را نمی‌دادند و این را از مفاخر خود به شمار می‌آوردند و حتی از نام بردن مادر، همسر و یا خواهران‌شان در نزد مرد غریبه ابا می‌کردند» (عزالدین، ۱۳۷۹ هـ. ق: ۲۱۱).

### زهاوی و دفاع از زن

از آنجایی که زهاوی در این هستی بیش از همه خود را مدیون زن می‌داند به پاس زحمات و مهربانی‌های این انسان فداکار و جهت احقاق حقوق او که با ظلم و ستم ضایع شده است با زبان شعر و نیز انتشار مقاله‌ای در مجله «المؤید» به دفاع از این قشر می‌پردازد و موضع خود را نسبت به زن، شایستگی‌ها و توانایی‌های وی در زندگی بیان می‌کند. او معترف است آنگاه که طفل خردی بوده و از انجام کوچکترین امور مربوط به خود ناتوان بود، زنی به عنوان مادر با شیرۀ جانش به وی هستی بخشیده و در آغوش پر مهر و محبتش او را جای داده است. زنی که اولین معلم زندگیش بوده و با آموختن علم و دانش و آگاهی، او را برای جنگ با سختی‌ها و ناملازمات زندگی آماده ساخته است.

انْتَ لِلشَّعْبِ كَلَّةٌ اَنْتِ اُمُّ	فَاِذَا هُنَّتْ هَانَ اَوْ طَبَّتْ طَابَا
اِمَّا الصَّدْرُ مِنْكَ بِجَمِيلِ الطِّفْلِ	غِذَاءٌ وَ حِكْمَةٌ وَ شَرَابَا
يَتَلَقَّى عَلَيْهِ اَوَّلُ دَرْسٍ	فَهُوَ لِلطِّفْلِ لَيْسَ اِلَّا كِتَابَا
مِنْكَ قَبْلَ الْجَمِيعِ وَ هُوَ صَبِيٌّ	يَتَلَقَّى الْفَنُونََ وَ الْاَدَابَا

(دیوان، ۱۹۲۸ م، ص ۳۳۶)

تو برای تمام ملت مادر هستی. پس اگر تو خوار شوی امت خوار می‌شود و اگر تو احترام شوی امت احترام می‌شود.

سینه تو همواره برای کودک غذا و حکمت و شیر به همراه داشته است.

کودک اولین درس را از آن می‌گیرد پس سینه برای او همچون کتاب است.

در حالیکه کودک است قبل از همه از تو هنر و ادب را می‌آموزد.

همچنین در جوانی آن گاه که به هم‌زبانی و هم‌دلی نیاز داشته، زنی بود، که با عشق و مهربانیش وی را

به آرامش رسانیده و با همفکریش چون کوهی استوار در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات روزگار، تکیه‌گاهش

بوده و هیچ‌گاه در پستی و بلندی روزگار او را تنها و بی‌یاور نگذاشته است. (الرشودی، ۱۹۶۲ م، ص: ۱۱۲)

شایان ذکر است زهاوی در بیست و پنج سالگی به دردی در ستون فقرات مبتلاء شد که این بیماری به فلج منجر شد. پس از آن همسرش پرستار وی گردید و از عشق و محبت خود نسبت به وی دریغ نکرد. زهاوی که شاهد این همه مهربانی و فداکاری بود متقابلاً به همسرش عشق ورزیده و این مهربانی‌ها را در اشعارش منعکس نموده است چرا که تنها ابزاری که برای قدردانی و تشکر از این همه ایثار و محبت داشته همین اشعارش بوده و در آنها به دفاع از حقوق زن پرداخته است (عزالدین، ۱۳۷۹ هـ: ۳۲۰).

شاعر معتقد است که اگر چه مردان از لحاظ قدرت بدنی نسبت به زنان قوی‌تر می‌باشند اما این دلیل نمی‌شود که به واسطه زور بازویی که از آن برخوردارند خود را حاکم و سرور زنان بدانند و به آنها ظلم نموده و حقوق‌شان را پایمال نمایند (الرشودی، ۱۹۶۲ م: ۱۱۳).

رَبَّتْ حَانِيَةً يَوْمَ  
فَجِئْتُ تَغْصِبُ مِنْهَا  
مَ أَنْتَ فِي الْمَهْدِ الْوَالِدِ  
الْحَقُوقَ إِذَا كُنْتَ كَهْلًا

(دیوان، ۱۹۲۸ م، ص ۱۰۰)

روزی که در گهواره طفلی بیش نبودی با مهربانی تو را بزرگ کرد.

وقتی بزرگ شدی حقوقش را از او غصب کردی.

قدرت بدنی هیچگاه معیار سنجش و برتری گروهی بر گروه دیگر نمی‌باشد آیا در این صورت می‌توان گفت بعضی از حیوانات که قوی‌تر از انسان‌ها هستند می‌توانند بر انسان برتری و سیادت یابند و انسان را تحت اوامر خود برند؟ قطعاً این چنین نیست و آنچه که وجه تمایز انسان و حیوان درنده است نیروی عقل می‌باشد که زنان نیز در قوه عقلی برابر با مردان می‌باشند و علاوه بر آن، در احساسات و عواطف انسانی حتی بر مردان برتری دارند.

زهاوی معتقد است که زنان برخلاف آن چه که جامعه درباره آنها تصور می‌کند مانند مردان صاحب عقل می‌باشند و علاوه بر این از چنان عاطفه‌ای برخوردار هستند که هر جا قدم می‌گذارند آن جا را سرشار از عاطفه می‌کنند:

و إِنْهَا ذَاتُ عَقْلٍ  
و إِنْهَا عَنْهُ فِي الْفَهْمِ  
و إِنْهَا لِنَدْبِعُ -  
و الْعَيْشُ إِنْ هِيَ  
كَمَالَهُ هُوَ عَقْلٍ  
و الْحَجِي لَا تَقْلُ  
السَّلَامُ حَيْثُ تَحُلُ  
لَمْ تَحْلَهُ فَمَا هُوَ يَحْلُو

(دیوان، ۱۹۲۸، ص ۱۰۰)

زن در شعر جمیل صدقی زهاوی ۱۶۱

زن نیز مانند مرد از عقل برخوردار است. / او از نظر فهم و درک چیزی کم ندارد.  
او هر کجا وارد شود صلح و آرامش را نشر می‌دهد. / زندگی با وجود زن و مرد شیرین می‌شود.

### آزادی زن و تساوی حقوق زن و مرد

زهاوی علاقه زیادی به آزادی دارد و می‌خواهد تا حد امکان آزادی فکر و بیان، آزادی نشر و آزادی دینی در جامعه رایج گردد.

وی تمام توان خود را به کار بست و به دفاع از آزادی زنان شرقی پرداخت. ایده‌آل او این بود که زنان شرقی از آزادی بیشتری نسبت به زنان غربی برخوردار باشند. او تا جایی پیش رفت که بعضی از ادباء به انتقاد از او پرداخته و گفتند:

- تو خواستار آن بودی که مالک آزادی شوی اما حالا این آزادی است که مالک تو شده است و تو را بنده خود کرده، پس آزادی که از آن دم می‌زدی کجاست؟

او در بیان آراء و عقایدش و رد نظر دیگران بی‌پروا عمل می‌کرد و همین بی‌باکی در ابراز نظرات باعث شده بود که افراد زیادی به مخالفت و دشمنی با وی بپردازند. (الرشودی، ۱۹۶۲م. : ۳۵۰)

زهاوی از پیشگامان مبارزه در راه آزادی زنان و خواهان تساوی حقوق آنان با مردان می‌باشد.

أقبح بقوم حقروا	أزواجهم و الأمهات
أجهل بقوم قد رأوا	فضل البنين علی البنات
ليس الفتى برعاية	أولي هناك من الفتاة

(دیوان، ۱۹۸۳م، ص ۹۷)

چه بد قومی هستند که همسران و مادران شان را تحقیر می‌کنند. / او چه نادانند کسانی که پسران را بر دختران ترجیح می‌دهند. / پسران برای حمایت از دختران برتری ندارند.

در نظر او زنان و مردان هر کدام مانند یک بال پرنده هستند و پرنده تنها با وجود هر دو بال می‌تواند پرواز کند:

يرفعُ الشعبُ فريقاً	ن اناثٌ و ذكورٌ
و هل الطائرُ إلّا	بجناحیه يطيرُ؟

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۱۲۶)

ملت را دو گروه زنان و مردان بالا می‌برد و پرنده تنها با دو بالش قادر به پرواز است.  
وی همچنین معتقد است که حالت حوزه‌های عمومی و خصوصی هر کشوری لازم و ملزوم یکدیگرند.  
هر گاه مرد به مقام زن اهانت کرده و با او چون بردگان رفتار نماید در واقع به شخصیت خود اهانت نموده و

وجدان آزاد خویش را از دست داده است و بر عکس در کشورهایی که زن از آزادی شخصیت برخوردار است مرد نیز آزادی سیاسی دارد و در جوامع شرقی که زن برده مرد است مرد نیز برده حاکم است یعنی مرد در خانه ظالم و در جامعه مظلوم است.

أما المرأة و المر  
عَلِّمُوا المرأةَ فالمر  
ءُ سِوَاءَ فِي الجدارة  
أه عنوان الحضارة

زن و مرد در شایستگی و لیاقت با هم مساوی هستند.

زنان را بیاموزید که آنان سرلوحه تمدن و فرهنگ هستند.

زهاوی به نوع تربیت زنان شرقی، که در برابر تحقیر و پایمالی حقوقشان دم فرو می‌بندند و کورکورانه به قضا و قدر تن می‌دهند، انتقاد کرده و معتقد است که این نوع تربیت، از زن یک موجود طفیلی ساخته که توانایی برداشتن قدمی جهت پیشرفت خود، خانواده و جامعه را ندارد. در واقع با این تصورات غلط وی را از درون تهی و فلج کرده‌اند. بنابراین نیمی از اعضای جامعه فلج و ناکارآمدند و نیم دومی که از این نیمه معلول زاده می‌شوند آنها نیز معلول و ناتوان هستند و به این ترتیب معلولیت و ناکارآمدی موروثی نسل به نسل منتقل می‌شود (الرشودی، ۱۹۶۲م. ۴۱۶).

و كَأَنَّ الْإِنَاثَ كُنَّ يَعْجَا  
و كَأَنَّ الذَّكَوْرَ كَانُوا ذُنَابَا

گویی زنان همچون بره و مردان گرگند. (دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۳۳۷)

### حجاب<sup>۱</sup>

مرتضی مطهری در تبیین کلمه حجاب می‌گوید: «استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «سَتر» که به معنی پوشش است، به کار رفته است. فقها چه در کتاب «الصلوة» و چه در کتاب «النکاح» که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «سَتر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب» را و بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و همچنان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم زیرا معنی شایع لغت حجاب «پرده» است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد.

۱. حجاب و در مقابل آن سفور در تاج العروس و لسان العرب چنین آمده است:  
الْحِجَابُ: كُلُّ مَا خَالَ بَيْنَ شَيْئَيْنِ جَمَعَهُ حُجْبٌ (تاج العروس، ج ۲ و لسان العرب ج ۲، ماده حج ب).



زن در شعر جمیل صدقی زهاوی ۱۶۳

پوشش زن در اسلام این است که در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. در آیات مربوط لغت «حجاب» به کار رفته‌است. آیاتی که در این باره هست چه در سوره مبارکه نور<sup>۱</sup> و چه در سوره مبارکه احزاب<sup>۲</sup> حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه «حجاب» به کار رفته است مربوط به زنان پیامبر می‌باشد. (مطهری، ۱۳۸۰ ش: ۷۳)

بنت‌الهدی صدر نیز در رد پندارهای رایج منع خروج زن از خانه در بیان تفاوت «ستر و حجاب» می‌گوید: «مفهوم حجاب اخص از ستر است بنابراین باید از ستر سخن بگوییم نه از حجاب زیرا کلمه حجاب متضمن معنای در پس پرده ماندن است در حالی که اسلام نمی‌خواهد زن در پس پرده بماند و از صحنه دور شود بلکه هدف تنها پوشانیدن زیبایی‌های اوست ... از طرفی حکم «غض بصر» که الزام آن بر زن و مرد یکسان است دلیل قطعی حضور مساوی زن و مرد در صحنه زندگی است و اگر ستر به معنی انزوای زن در صحنه بود نیازی به غض بصر نبود. در واقع حجاب اسلامی منحصر به زن نیست ولی نظر به اینکه زن موجودی لطیف‌تر و مؤثرتر است پوشش او عام‌تر و شامل‌تر از پوشش مرد است» (بنت‌الهدی، ۱۴۰۰ هـ: ۴۸۹-۴۸۸).

زهاوی نیز به اینکه زنان در خانه‌ها محبوس شده و از اجتماع دور نگاهداشته شده‌اند معترض است. وی تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه آن روز عراق و رواج تفکرات غربی، به اشتباه، علت دورماندن زنان از

۱. قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِلَاحَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره نور، آیه ۳۱).

ای رسول زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا بیوشند) و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار ن سازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بیوشانند و زینت و جمال خود را آشکار ن سازند جز برای شوهران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود و زنان خود (یعنی زنان مسلمة) و کنیزان ملکی خویش و اتباع (خانواده که رغبت به زنان ندارند) از زن و مرد یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و انطور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود و ای اهل ایمان همه به درگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید.

۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلرَّوَّاجِكِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (سوره احزاب، آیه ۵۹).

ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فروپوشند که این کار برای اینکه آنها شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا (در حق خلق) آمرزنده و مهربان است.

۱۶۴ پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶

اجتماع را در نوع پوشش آنان می‌داند و راه حل مبارزه با این عقب ماندگی را در کشف حجاب می‌داند. از این رو صریحاً زنان و دختران را به بی‌حجابی دعوت می‌نماید:

إِسْفِرِي فَالْحِجَابُ يَا ابْنَةَ فَهْرٍ  
إِسْفِرْكَ فَالسُّفُورُ لِلنَّاسِ صَبْحٌ  
فَهْرٌ دَاءٌ فِي الْاجْتِمَاعِ وَخَيْمٌ  
زَاهِرٌ وَ الْحِجَابُ لَيْلٌ يَهِيمٌ

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۲۳۶)

حجاب را بردار ای دختر فهْر که حجاب در جامعه درد و خیمی است.  
حجاب را بردار که بی‌حجابی برای مردم صبحی روشن و حجاب شبی تار است.  
او معتقد است که مردان شرقی به دلیل جهل و نادانی و بر اساس باورهای غلطی که از گذشتگان‌شان به ارث برده‌اند، زنان خود را خانه حبس نموده‌اند:

هُوَ سَجْنٌ هُنَّ مِنْ غَيْرِ وَزَّرِ  
هُوَ حَرَمَانُ النُّورِ وَ هُوَ الْهُمُومُ

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۲۳۵)

خانه برای آنها زندانی است بدون اینکه گناهی مرتکب شده باشند و دریغ کردن نور درد و رنج است.  
و نیز گفته:

سَجَنُوا غَيْرَ مَشْفِقِينَ الْعُدَارِي  
فِي الْبُيُوتِ وَ غَلَّقُوا الْاَبْوَابَا

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۳۳۶)

زیبارویان را با سنگدلی در خانه‌ها زندانی کردند و به درها غل و زنجیر زدند.  
زهاوی محبوس بودن زنان در خانه، جهت حفظ عفت و پاکدامنی و عدم فعالیت اجتماعی آنان را رد می‌کند:  
زَعَمُوا اَنْ فِي الْحِجَابِ حِفَاظًا  
كَذَّبُوا فَهُوَ فِي الْحَقِيقَةِ سُومٌ

گمان کردند در حجاب امنیت است. دروغ گفتند؛ در واقع آن شوربختی است.

مَرْقِي يَا ابْنَةَ الْعِرَاقِ حِجَابَا  
مَرْقِيَّةٌ وَ احْرَقِيَّةٌ بِلَا رِيثِ  
فَقَدْ كَانَ حَارِسًا ذَابَا  
مَرْقِيَّةٌ حَتَّى يَكُونَ هُبَابَا

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۳۳۵)

ای دختر عراق حجاب را بَدَر که آن نگهبانی است که درون خود را ذوب می‌کنند.  
بدران و بی‌هیچ تردیدی آن را بسوزان تا نابود شود.

زَعَمُوا اَنْ فِي السُّفُورِ سَقُوطَا  
كَذَّبُوا فَالسُّفُورُ عِنْوَانُ طَهْرٍ  
فِي الْمَهَادِي وَ اِنْ فِيهِ خِرَابَا  
لَيْسَ يَلْقَى مَعْرَةً وَ اَرْتَابَا

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۳۳۷)

زن در شعر جمیل صدقی زهاوی ۱۶۵

پنداشتند بی‌حجابی سقوط در پرتگاه است و در آن تباهی است.

دروغ گفتند، بی‌حجابی نماد پاکی است، و با هیچ اذیت و آزار و شک و تردیدی مواجه نخواهد شد.

وی معتقد است ملتی که نیمی از آن خود را از نیم دیگر بپوشاند هیچگاه متمدن نخواهد شد.

کیف یسمو إلی الحضارة شعباً  
لیس یأتی شعب جلائل ما لم  
منه نصفٌ عن نصفه مستورٌ؟  
تتقدم اناته و الذکور

(دیوان، ۱۹۸۳م، ص ۱۱۲)

(جامعه) چگونه به تمدن خواهد رسید در حالیکه نیمی از آن خود را از نیم دیگر پوشانده‌اند.

ملت به پیشرفت نخواهد رسید مگر زمانی که زنان و مردان با هم پیشرفت کنند.

از دیدگاه زهاوی زنان باید همچون دنیای غرب در انتخابات، مسند قضاوت و در امور پژوهشی و پیشبرد

تمدن همچون عضوی از جامعه، سهمیم باشند. وی وظیفه زن را تنها به چهارچوب خانه محدود نمی‌داند و

معتقد است که این مطلوب کسانی است که در عالم خیال زندگی می‌کنند و میان آنها و حقیقت پرده‌ای

است، به گونه‌ای که دیدگان‌شان فراسوی آن را نمی‌بینند:

للمرأة اليوم في  
للمرأة اليوم في البر  
للمرأة اليوم في  
للمرأة اليوم في  
و إنه من علو  
شجاع لا تبارك  
مجلس القضاء محل  
لما عقد و حل  
استكشاف الحقائق شغل  
تحسين الحضارة فصل  
علي الامور تطل  
وهمة لا تكمل

(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۱۰۰)

امروز زنان در مجلس قضاوت و پارلمان دارای جایگاه هستند.

زنان در کشف حقایق و پیشبرد تمدن صاحب منصبند. به خاطر شأن و مقامشان بر امور احاطه یافته‌اند.

آنان دلیر، بی‌رقیب و بلند همت هستند.

زهاوی مقاله‌ای با عنوان «المرأة و الدفاع عنها» در مجله المؤید<sup>۱</sup> منتشر کرد. این مقاله جنجال عظیمی

به پا کرد. مسلمانان از شاعر، به اتهام حمله به اسلام نزد والی عثمانی بغداد شکایت برده و خواستار عزل او

از مناصب دولتی شدند. وی در این مقاله ضمن دفاع از زن به نکوهش حجاب پرداخته‌است:

۱. این مقاله در جریده المؤید، العدد ۶۱۳۸، ۲ شعبان سنة ۱۳۲۸ به چاپ رسید.

۱. حجاب محرومیت ایجاد می‌کند و انسان نسبت به چیزی که از آن محروم شده حریص می‌شود و تلاش می‌کند آن را از طریق غیرمشروع به دست بیاورد حال آنکه از آنجایی که فرد بی‌حجاب در نظر دیگران عادی شده، دیگران بخصوص مردان برای دیدن و شناختن آنچه که زیر حجاب پنهان شده کنجکاو نمی‌شوند.
  ۲. حجاب سبب گوشه‌گیری زن می‌شود و او در برخورد با مردان دست و پای خود را گم می‌کند و عزت نفسش را از دست می‌دهد و از آنجایی که برخلاف طبیعت آدمی بوده، باعث بیماری می‌شود.
  ۳. حجاب باعث شده که غربی‌ها نسبت به مسلمانان دید منفی پیدا کنند که مردان مسلمان به پاکدامنی زنان‌شان اعتماد و اطمینان ندارند.
  ۴. حجاب با طبیعت انسان مغایرت دارد و باعث ضعف بینائی می‌شود این در حالی است که چشم سلطان بدن و حس بینائی از مهمترین حواس می‌باشد. اگر فرد چشمانی سالم داشته باشد می‌تواند به جنگ با سیاهی‌ها برود حال آنکه حجاب او را از این حق طبیعی محروم و فرد را دچار غم و اندوه طولانی می‌کند که تا زمان مرگش این غم و اندوه همراه اوست و در زمان مرگ نیز این حجاب جای خود را به حجاب و تاریکی قبر می‌دهد.
  ۵. حجاب سبب نفاق و دورویی و اختلاف همسران می‌باشد و باعث می‌شود که در محیطی آرام و با عشق و علاقه زندگی نکنند چرا که آنها یکدیگر را برای زندگی با هم انتخاب نکرده‌اند بلکه توسط خانواده‌هایشان بدون شناخت انتخاب شده‌اند.
  ۶. به وسیله حجاب نمی‌توان عفت و امنیت ایجاد کرد و عفتی که با فشار و زور حاصل شده باشد دوامی نخواهد داشت.
  ۷. حجاب مانع تماس و اختلاط زن و مرد می‌شود و از این رو نمی‌توانند نسبت به روحیات و ویژگی‌های یکدیگر شناختی به دست آورند و امتی که نیمی از آن خود را از نیم دیگر می‌پوشاند، نمی‌تواند به ترقی و پیشرفت دست پیدا کند از همین روست که زنان مسلمان از زنان اروپائی عقب مانده‌اند در حالیکه زنان بی‌حجاب اروپا هر روز موفق به کشف پدیده‌ای جدید و بالارزش در زندگی‌شان می‌شوند. بنابراین زنان مسلمان نیز باید حجاب را که چون غل و زنجیر بر پاهایشان بسته شده و آنان را از حرکت و سازندگی بازداشته است، از میان بردارند. (الرشودی، ۱۹۶۲م. ۱۱۶-۱۱۵)
- یوسف عزالدین در کتاب «الشعر العراقي الحديث» (۱۳۷۹هـ: ۲۱۷) آورده‌است که زهاوی دو ماه بعد از انتشار مقاله «المرأة و الدفاع عنها» در مجله «المؤید» که موجب برانگیختن اذهان عمومی علیه او شد با انتشار مقاله دیگری در مجله الرقیب (عدد ۱۷۲، السنة الاولى، ۷ شوال ۱۳۲۸هـ) در دفاع از خود با ایجاد

زن در شعر جمیل صدقی زهاوی ۱۶۷

تردید در انتساب مقاله اول به خود از دولت خواست تا با آگاهی دادن به مردم از تکرار چنین مسائلی جلوگیری کنند. اما با توجه به شواهد موجود در انتساب مقاله دوم در مجله «الرقیب» به زهاوی باید تردید کرد چرا که زهاوی در سال ۱۳۵۰ هـ. ق. نامه‌ای نوشته است و در آن به بیان علائق و سلاطین خود و جزئی‌ترین امور زندگی‌اش پرداخته است از جمله مسأله دفاع از زن و اتفاقاتی که پیرامون این قضیه برای وی پیش آمده است (برانگیختگی اذهان عمومی علیه او و خواستار برکنار شدن وی از منصب‌های دولتی) (الرشودی، ۱۹۶۲: ۳۷)، اما در آن نامه هیچ اشاره‌ای به وجود چنین مقاله‌ای نمی‌کند حال آنکه چنانچه چنین نامه‌ای واقعاً وجود داشت زهاوی حتماً در دفاع از خود به آن اشاره می‌کرد. گذشته از آن یوسف عزالدین در کتاب دیگر خود به نام «فی الادب العربی» که در سال ۱۳۷۸ هـ. ق. نوشته است و بخشی از آن را به زندگی و آراء زهاوی اختصاص داده است هیچ اشاره‌ای به این مقاله نمی‌کند. از طرف دیگر ادیبان و بزرگان علم و ادب که آثار و مقاله‌هایشان در رابطه با زندگی، آثار و آراء زهاوی می‌باشد و بخشی از آن در کتاب «الزهاوی دراسات و نصوص» که در سال ۱۳۸۱ هـ. ق. منتشر شده، جمع‌آوری شده است، آنها نیز هیچ اشاره‌ای به وجود چنین مقاله‌ای در مجله «الرقیب» نکرده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انتساب مقاله در الرقیب که یوسف عزالدین به زهاوی نسبت می‌دهد صحت ندارد.

### عدم تناسب سنی در ازدواج

ازدواج دختران کم سن و سال با مردانی که برای آنان حکم پدر دارند سنتی است که کم و بیش در کشورهای عربی رواج دارد. اوضاع نابسامان و پر هرج و مرج حاکم بر عراق در اواخر قرن نوزدهم مزید بر علت شد و باعث گردید خانواده‌ها در این امر تنها به میل خود و به طمع ثروت، بدون توجه به زیبایی و کمال و علاقه دختران جوان به ازدواج با همسالان خود، آنان را همچون کالا به درهم و دینار می‌فروختند.

مهما اطاب سوي قذاة  
إن تزوج بالفنائة  
يلقى السلامة في الاذائة

ما الشيخ في عين الفنائة  
الشيخ يحترق طبيعة  
هو في تزوجه به

(دیوان، ۱۹۲۸ م، ص ۲۵۴)

پیرمرد در چشم دخترکان جز خار و خاشاک نیست.

پیرمرد اگر با دختر جوان ازدواج کند در واقع ماهیت خود را زیر سؤال برده است.

او با این ازدواج آرامش آن دختر را برهم زده است.

زهاوی با ازدواج‌های اجباری مخالف است و در نظر او رضایت طرفین شرط اصلی ازدواج می‌باشد:

و إذا ما الزواجُ لم يقترحه  
و الزواجُ الذي يتم علي غيب  
نظر الحاطين فهو عقيم  
من الحاطين امر الميم  
(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۲۳۶)

اگر ازدواج بدون پیشنهاد و رضایت دو طرف باشد ناکام و ناپایدار است.

و ازدواجی که در غیبت یکی از دو طرف صورت گیرد، امری دردناک است.

وی مسأله عدم تطابق سنی در ازدواج را مطرح کرده و این نوع ازدواج را جمع شدن نماد زندگی و

مرگ در کنار هم می‌داند:

لم تلق عینی مشهداً  
کالموت فی جنب الحیاة  
(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۲۵۴)

- این نوع ازدواج - مانند مرگ در کنار زندگی است.

زن و مرد حق دارند از وجود ویژگی‌های مطلوب خود در همسر آینده‌شان اطمینان حاصل نمایند و با

آگاهی یکدیگر را انتخاب نمایند و چنانچه زندگی مشترک بر اساس عشق و علاقه متقابل بنا نشود محیطی

که قرار بوده در آن رأفت و عطوفت، محور ارتباط و زن و مرد باشد و آن دو نیز مایه آرامش و تسلی خاطر

یکدیگر باشند به جهنمی سوزان تبدیل می‌شود که تحمل طرفین عذاب‌آور و غیرممکن می‌شود. البته این امر

را نباید با ازدواج بر مبنای عشق شهوانی اشتباه گرفت چرا که چنین ازدواجی ناپایدار است و با به سردی

گراییدن عشق این پیوند گسسته می‌شود.

و اذا لم یکن هنالك حب  
فحیاة الزوجین تمسی عذابا  
کان امر الزواج یوما یکف  
املاً فی فوادها ثم خابا  
و لقد سولت له النفس امرا  
فاتی ما اتی و کان مصابا  
(دیوان، ۱۹۲۸م، ص ۳۳۷)

اگر عشق و علاقه‌ای وجود نداشته باشد پس زندگی مشترک زن و شوهر رنج و عذاب است.

ازدواج که روزی قلب آن دختر را سرشار از امید و آرزو کرده بود، اینک او را مأیوس کرد.

آن مرد در درون خود خیال دیگری داشت. اما شد آنچه شد و او هم به بلا دچار شد.

## زهاوی و تعدد زوجات

زن همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد در زمان سلطه عثمانی‌ها از جایگاه خوبی در جامعه برخوردار نبودند و چون کالایی خریداری می‌شدند و از هیچ اختیاری در خانه پدر یا همسر برخوردار نبودند آنان زندانیانی در خانه بودند. زنان چون بردگانی محکوم به زندگی در تاریکی جهل و بندگی و آداب و رسوم کهنه بودند. در چنین شرایطی تعدد زوجات امری رایج بود در حالیکه «ازدواج و خانواده امری مقدس و تک‌همسری رمز این قداست می‌باشد و خداوند سبحان علی‌رغم طبیعت تنوع‌طلب انسان، برای برهم زدن قاعده ناپایدار عشق قاعده استوار ازدواج را وضع کرد تا نظام خانوادگی را اقتدار بخشد و به زن و مرد امر فرمود این پیوند را مقدس بشمارند تا به طبیعت خویش بازنگردند» (مصطفی لطفی منغلوطی، ۱۴۲۰هـ: ۱۴۶-۱۴۵).

زهاوی معتقد است که جواز چند همسری برای مردان تحقیر شدیدی بر زن است چرا که به عقیده وی ضربه‌ای شدیدتر از این بر زن نمی‌توان وارد کرد که او را با زن دیگری در شوهرش شریک کرد. همان‌گونه که نمی‌توان مردی را یافت که راضی شود که دیگری در عشق به زنش شریک شود زهاوی از مردان می‌خواهد که خودشان را به جای همسران‌شان بگذارند آیا در آن صورت حاضر بودند که شوهران‌شان با زن دیگری که زیباتر و جوان‌تر از آنها می‌باشد، ازدواج کنند؟ قطعاً این‌گونه نیست و از نظر روحی و عاطفی چه ضربه سنگینی بر آنها وارد می‌شد.

زهاوی از جنبه روانی به موضوع تعدد زوجات نگریسته و ریشه آن را در خودخواهی مرد می‌بیند که چون خود را از نظر قوای جسمی و عقلی برتر می‌داند آزادی را که بزرگترین حقوق انسانی است به خود اختصاص داده، زن را همچون کالایی می‌نگرد که می‌تواند پس از لذت‌جویی آن را با کالای دیگری عوض نماید (الرشودی، ۱۹۶۲م: ۱۱۳).

زهاوی به شدت از انحصار این حق به مردان خشمگین است زیرا «برتری عقلی مرد ادعایی کاذب و برتری زن و مرد امری نسبی است. در ثانی برتری قوای جسمی اگر هم ادعای صادقی باشد دلیلی برای تخصیص حقوق انسانی نیست بلکه زن نیز همچون مرد دارای عقل و عاطفه و احساس است و در علم و عمل شریک و همتای مرد است و باید از آزادی و حقوق انسانی نیز برخوردار باشد» (همان).

او قساوتِ مردان را گناه مسلمانان می‌داند که بر خلاف آیه X و لَهْنٌ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ<sup>۱</sup> (Zنان را بر مردان حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان) در این قضیه به مرد آزادی عمل داده و زن را از این حق محروم کرده‌اند و این اعتراض در واقع اعتراض به سوءاستفاده از قوانین اسلام است (همان، ۱۱۴) و در جای دیگر تأکید می‌کند که اگر حتی فرض برتری عقل بر زن صحیح باشد لازمه‌اش آن است که با رأفت و مهربانی رفتار نماید و حقوقش را ادا کند چرا که وجود مرد بسته به وجود زن است (همان).

### نتیجه‌گیری

۱- زهاوی از جمله نخستین شاعرانی است که در محیط پر اختناق عراق در برابر ظلم و ستم‌هایی که نسبت به زنان روا می‌شد فریاد عدالت‌خواهی برآورد و به دفاع از حقوق و آزادی آنان پرداخت. اما نکته‌ای که قابل توجه است وی نسبت به قضیه زن دیدگاه زن‌سالاری ندارد و خواستار سیادت و سروری زنان بر مردان نمی‌باشد، بلکه می‌خواهد که جامعه از چنگال جهل و عقب‌ماندگی‌های یابد. او از زن می‌خواهد که جایگاه حقیقی خود را در اجتماع پیدا کند. چرا که زنان می‌توانند همگام با مردان برای تأمین رفاه و پیشرفت جامعه نقش‌آفرینی کنند. او بیان می‌دارد زن ماده و کالا نیست که تنها برای بهره‌برداری شخصی باشد، بلکه با توجه به سرمایه‌های فطری و درونی خویش می‌تواند در کنار مرد به تکامل نسل بشری کمک نماید.

۲. منظور زهاوی از حجاب هم نوع پوشش زنان و هم حجاب درونی آنان (سلطه مردان بر آنها و در خانه ماندن) می‌باشد اما تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه عراق، آشنایی با تمدن اروپایی و رواج تفکرات غربی در کشورهای عربی، علت عقب‌ماندگی و دورماندن زنان از جامعه را حجاب و نوع پوشش آنان می‌داند از این رو راه حل مبارزه با این عقب‌ماندگی را در کشف حجاب دانسته و زنان را به بی‌حجابی فرا می‌خواند:

قَالَ هَلْ فِي الْحِجَابِ نَفْعٌ يَرْجَى  
فَلْتُ خَيْرٌ مِنْ الْحِجَابِ السَّفُورِ  
إِنَّمَا فِي الْحِجَابِ شَلٌّ لَشُعْبِ  
و خِفَاءٌ وَ فِي السَّفُورِ ظَهْورِ

(دیوان، ۱۹۸۳م، ص ۱۱۲)

گفت آیا در بی‌حجابی سود و نفعی می‌باشد؟ گفتیم بی‌حجابی از حجاب بهتر است.



ضعف و شکست ملت‌ها تنها در حجاب است در حالیکه شکوفایی ملت‌ها در بی‌حجابی نهفته است. جامعه شرقی در روزگار زهاوی تحت‌تأثیر نظریه‌پردازان عصر نهضت در اروپا با نوعی خودباختگی مواجه بوده است. اروپائیان که به سرزمین‌های شرقی گام نهادند، به دلیل پیشرفت‌های علمی و توان‌مندی نظام بر این سرزمین‌ها چیره شدند. شرقیان و از جمله شعرا و ادبای این دوره راز موفقیت استعمارگران را در توان علمی آنان می‌دانستند و لذا گمان می‌کردند برای از میان بردن جهل و وصول به قله‌های ترقی می‌بایست با مظاهر عقب‌ماندگی مبارزه کنند، زهاوی نیز مانند بسیاری از روشنفکران آن دوره تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی چنین می‌اندیشید که راه جبران این عقب‌ماندگی از قافله تمدن، شکستن سنت‌های بومی و اسلامی است. او در این باره که جهل و فقر گسترده در میان کشورهای اسلامی مانع پیشرفت آنان است، اشتباه نمی‌کرد، اما در اینکه برخی مظاهر سنتی نظیر پوشش و حجاب مانع وصول به پیشرفت است، همانند دیگر روشنفکران غرب‌زده آن دوران راه خطا می‌پیمود. مسیری که زهاوی پیشنهاد می‌داد سرانجام به نابودی فرهنگ شرقی و خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب منجر می‌شد، زیرا او بیش از آنکه به محتوا بیندیشد به پوسته فکر می‌کرد، اگر روشنفکرانی چون او می‌دانستند که فرهنگ هر ملت مخصوص آنان است، شاید با این گستاخی در صدد تخریب مبانی فرهنگی و دینی خود بر نمی‌آمدند، کافی بود که این گروه از غرب‌باوران آن زمان درمی‌یافتند که عناصر فرهنگی هر ملتی بنیان‌های لازم را برای پیشرفت علمی داراست و در این زمینه لزومی به الگوگیری فرهنگی از دیگران نیست اما مدت‌ها طول کشید تا جهان اسلام و کشورهای شرقی دریابند که دین و فرهنگ منافاتی با دانش و پیشرفت ندارد.

۳- با بررسی اشعار زهاوی می‌توان دریافت حجابی که زهاوی مضرات آن را می‌شمارد پیامد حجابی درونی است؛ حجابی که زنان را به اجبار بر اساس جهل و نادانی در خانه‌ها محبوس کرده و بر عقل و اندیشه آنان غل و زنجیر بسته است، اعتماد به نفس را از آنان سلب کرده و به آنها اجازه اندیشیدن و تفکر نمی‌دهد تا راه صواب و ناصواب خویش را شناخته و بتوانند در راه پیشرفت و ترقی گام نهند. اگر زنان غل و زنجیری که بر عقل و خردشان بسته شده را بازکنند و به درون جامعه پا نهند و به تحصیل علم و دانش بپردازند و در کنار مردان مسندهای علمی و حقوقی را به دست گیرند، جامعه در پیشبرد اهداف خود موفق‌تر خواهد بود. و این همان ایده‌آل زهاوی برای زنان شرقی و مسلمان می‌باشد.

## منابع

### قرآن کریم

- آذرشب، محمد علی (۱۳۷۴ ه. ش)، اللغة العربية الحديثة: تهران: انتشارات سمت.
- ابن منظور (دون تاریخ)، لسان العرب: قاهره: دارمعارف، ج ۲.
- ابوعمشه، عادل (دون تاریخ)، قضايا المرأة في الشعر العربي الحديث في مصر من ۱۷۹۸-۱۹۴۵ م. بیروت: دارالجیل.
- بنت الهدی (۱۴۲۰ هـ / ۲۰۰۰ م)، المجموعة القصصية الكاملة؛ الطبعة الثانية. ناشر عبدالکریم جواد الزهیری.
- حسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی (۱۹۹۳ هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲ و ۱۲.
- خیاط، جلال (دون تاریخ)، الشعر العراقي الحديث مرحلة و تطور؛ بیروت: دارصادر.
- الرشودی، عبدالحمید (۱۹۶۲ هـ)، الزهاوی دراسات و نصوص؛ بیروت: دار مكتبة الحياة.
- رمادی، جمال الدین (دون تاریخ)، من اعلام الادب المعاصر؛ بیروت: دارالفکر العربی.
- الزکلی، خیرالدین (دون تاریخ)، الاعلام قاموس الزاجم، الاعلام: ج ۳. الطبعة الثالثة.
- الزهاوی، جمیل صدقی (۱۹۲۸ م). دیوان اللباب. بغداد.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۳ م)، دیوان النهضة، بیروت، دار العلم للملایین.
- عزالدين، يوسف (۱۳۷۹ هـ / ۱۹۶۰ م)، الشعر العراقي الحديث و التيارات السياسية و الاجتماعية؛ مصر: دارالمعارف.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ هـ)، في الادب العربي الحديث؛ بغداد، مطبعة دار بصری.
- الفاخوری، حنا، الجامع في التاريخ الادب العربي (العصر الحديث)، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
- محمدی، محمد (بدون تاریخ)، درس اللغة و الادب في شعر العربي الحديث؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج ۲.
- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب؛ تهران، انتشارات صدرا، چاپ ۵۵، ۱۳۸۰ هـ. ش.
- منفلوطی، مصطفی لطفی (۱۴۲۰ هـ / ۱۹۹۹ م)، النظرات ۱؛ بیروت، دار الکتب العلمیة. ط.
- پژشکی، محمد (۱۳۸۴)، «صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام (۲)»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۳۰، سال هشتم، زمستان، صص ۷۳ تا ۱۱۰.